

### متن پرسش

سلام عليك و ریحانه و رضوانه عذرخواهم از استاد عزیز بابت تصدیع وقت شریف شما و تک تک کاربران محترم.

بسم الله الرحمن الرحيم: غدير و فردای بشر گرفتار عصر پوچی، غدير و حضور بشر آخرالزمانی در اصیلترین وجه معنایی خودش. در کتاب سلیم بن قیس در حدیث ۱۹ در قسمتی از حدیث اینچنین از قول اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که گفتند: «به جان خودمان قسم، اگر هنگامی که پیامبر از دنیا رفت ما خلافت را به علی (علیه السلام) سپرده بودیم و از او اطاعت می کردیم و تابع او می شدیم و با او بیعت می کردیم به راه درست رفته بودیم و هدایت می شدیم و موفق بودیم» سلیم در جایی دیگر از کتاب از قول امیرالمومنین (علیه السلام) حدیثی نقل می کند که می فرماید با پیامبر در مسیری می رفتیم تا آنکه راه خلوت شد آنگاه پیامبر مرا به آغوش گرفت و فرمود: "پدرم فدای تنهای شهید" عرض کردم: یا رسول الله چرا گریه می کنی؟ فرمود: از کینه هایی که در دل اقوامی است و آن را برایت ظاهر نمی کنند مگر بعد از من، و آن کینه های بدر و خون های اُحد است. و سپس فرمود یا علی، بشارت باد تو را که زندگی و مرگ تو با من است، و تو برادر و جانشین من هستی. تو انتخاب شده ای من و وزیرم و وارثم و ادا کننده از جانب من هستی. تو قرض مرا ادا می کنی و وعده های مرا از جانب من وفا می نمایی، تو ذمه ای مرا بری می کنی و امانت مرا باز می گردانی و طبق سنت من با ناکثین و مارقین و قاسطین از امتم می جنگی. تو نسبت به من همچون هارون به موسی هستی، و تو از هارون اسوه و روش خوبی خواهی داشت آن هنگام که قومش او را ضعیف شمردند و نزدیک بود او را بکشند. تا آنجا که می فرماید یا علی، هیچ امتی بعد از پیامبرشان اختلاف نمی کنند مگر آنکه اهل باطل آنان بر اهل حقشان غالب می شوند.

دقت در این سخنان به خوبی نشان از نقشه ای فوق رسوم زمانه و در نگاه به غایت انسان و فاعلیت اراده ای انسانی است که می خواهد فوق عادت مرسوم زمانه ای که در آن قرار گرفته است زندگی کند و این زندگی امروزی جواب طلب فردای او را نمی دهد و راه، جز به اختلاف و نزاع و خشونت به جایی نمی برد. سخنانی دقیق که در عین اشارت ها، حامل بشارت زندگی معنابخشی است که انسان آن را در ساحت ثروت و قدرت و شهوت و طمع گرگی زمانه گم کرده است و آری! چرا که اینگونه نباشد وقتی انسان تراز معنایی خودش را گم می کند! آنگاه است که دیگر برای «بینش ها» در ساحت اندیشه، و «ارزش ها» در ساحت انگیزه اش، معیاری برای معنابخشیدن به زندگی وجود نخواهد داشت و بیش از آنکه زندگی معنابخش باشد، گرفتار روزمرگی ها و کمیّت ها می شود و به جای آنکه زندگی اش حرکت

طولی داشته باشد تا در مسیر فعلیت صورتهایی نو به نو در زندگی باشد و زندگی محل ظهور تجلیات قرار بگیرد؛ در عرض زندگی می‌کند و در فکر وسعتِ عرضی زندگی‌اش می‌باشد تا آنکه از تنگنای زمانه‌ی تاریخی‌اش نجات پیدا کند و در طلب بیشتر و بیشتر داشتن هیچ‌ها شب و روزش را به هم گره می‌زند. غدیر، درست نقطه‌ی وسعت عرضی زمین و نجات از پوچی بشر زمینی است تا به وسعت طلب انسان، جهان گشوده‌ای را در برابر انسان بگشاید تا انسان زندگی خود را در زمین در انس و ماوای با حقیقت اداره کند و عقل و خرد جمعی زمین به زندگی عرضی‌شان برگردد تا علاوه بر آنکه عرض زندگی بیش‌تر می‌شود زندگی افق طولی‌اش را گم نکند و انسان در پیچ و تاب خشم و شهوت دوران حقیقت را فدای طمع‌های بی‌حاصل نکند. اگر غدیر را در تاریخ و زمانه‌ی خودمان پیدا نکنیم، صرفاً دست به یک گزارشی از تاریخی زده ایم که هیچ ربطی به فردای زندگی بشر آخرالزمانی و طلب و آرمان‌های فردای زندگی‌اش ندارد و این یعنی تفسیر سقیفه ای از غدیر! اگر دیروز روایت امیرالمومنین (علیه السلام) از غدیر در سقیفه نا کام و ناتمام ماند و شنیده نشد امروز نیز اگر غدیر را راهبرد و تقدیر توحیدی فردای جامعه‌ی انسانی ندانیم یعنی هنوز هم علی دست بسته است! در روایت اشاره‌اش به این است که آرمان و افق گشوده‌ای است که طلبِ پس‌فردایی انسان‌هاست که خداوند با رسولش و نظر به خواست و طلب انسان آخرالزمانی به صحنه می‌آورد با عمیق‌ترین پیام یعنی قرآن، و ادامه‌ی این آرمان و راهبرد فردی بشر تاریخ در جمال علی (علیه السلام) یافت می‌شود. بشر، قرن‌هاست که در پیچ و خم بی‌معنایی زندگی دست به معادلات تاریخی گوناگونی زده است اما بی‌جواب و ناکام از اینهمه طرح و نقشه‌ی گوناگون، و حالا در بلندای تمدن چشم پیرکنِ غرب، سر به زیر و خجل و درمانده از انسان و زندگی و عالم افسارگسیخته‌ای که نمی‌داند چگونه این گسست را مهار کند! بحران هویت و ناکامی انسان از وعده‌های فردای تمدن مدرن بنیان و بنیاد یأس تاریخی بشر امروز است و غدیر نجات از این روزمرگی عالم مدرن است. در یک کلمه، غدیر؛ عصاره‌ی فضیلت‌های پیامبران و اتمام و اکمال تاریخ انسان است و راهی جز آن که انسان برای حضور روشن فردایی‌اش بیابد جز غدیر نیست. و انقلاب اسلامی درست دروازه‌ی ورود و مأوایی بشر گمشده ایست که ریشه در سقیفه دارد چنانکه حضور و ظهور تمدن غرب بنیادش در سقیفه پایه گذاری شده است. غدیر؛ یک حادثه‌ی تاریخ نیست، راهبرد زندگی فردای انسان‌هایی است که به دنبال معنا بخشی زندگی سرد و بی‌روحشان می‌گردند. غدیر؛ طرح هادی جوانانی است که در چه کنم چه کنم‌هایی دوره‌ی جوانی‌شان درگیر با خود هستند و بی‌قرار یک مونس و ماوایی برای گذران جوانی‌شان! یک ظهور از غدیر، جبهه‌های جنگی بود که جوانان دوره‌ی پهلوی خودشان را در آن بستر غدیری پیدا کردند و انس حضور یافتند و زندگیشان را با آن معنا بخشیدند در عین حضور در جبهه زندگی کردند و حضور در جنگ در تحقق تاریخ غدیر آنچه را که در جستجوی تاریخ‌شان بودند یافتند. امروز نیز برای حضور در تاریخ غدیر و برای معنای زندگی انسان همان راهی را باید رفت که شهدا و امام در مقابل انسان گشودند و چقدر زیباست که امروز این راه، جهانی شده است یعنی جهان گمشده

ی انسان ها با رجوع به انقلاب اسلامی به غدیر متصل می شود و غدیر اینچنین جهانی شده است. بستر تحقق اش اگر چه در دست شیعه می باشد اما جهان غدیر، جهان عالم گمشده ی انسان هایی است که در به در بدنبال حقیقت و عالم انسان و مأوای انسان می گردند. مأوا و آنسی که در تاریخ در هیاهوی هوی و هوس و طمع و حرص در وسعت عرضی ارض گم شده است و راه نجات همان عالم معنایی طولی غدیر است تا انسان خود را پیدا کند. باید با عالم غدیر به سراغ تاریخ امروز رفت و گرنه در بستر سقیفه انسان ها هر چقدر هم که عابد و زاهد شوند باز در پوچی به سر خواهند برد. غدیر؛ عالم و تاریخی است که باید در آن حاضر شد. غدیر؛ محل وحدت کثرت‌هاست و تجلی کثرت از وحدت است و مقام جمع از آن غدیر است و گرنه جهان عالم غرب کثرت‌اش نه تجلی وحدت است و نه کثرت‌اش رجوع به وحدت می‌کند، کاملاً بریده و گسیخته از هم می‌باشد و این «مقام جمعی غدیر» است که انسان را در عین توحید در مقام کثرت ها و کثرت ها را در رجوع به وحدت ها معنا می‌کند و مظاهر همه منشا وحدانی می یابند نه آنکه هویت تباینی و بریده و جدا از هم داشته باشند. غدیر مقام جمع است و اتمام و اکمال دین به دست یافتن به اینچنین مقامی است که انسان کامل نمونه تام و تمام آن می باشد و دین آمده است تا انسان را به آن کمال نهایی‌اش برساند. باید با انسان از منبر غدیر به گفتگو نشست و سخن گفت تا او خود را در جهان غدیر برای فردا و پس فردای زندگی اش حاضر کند و گرنه غدیر می شود روایت یک حادثه‌ی گذشته بدون افق و حضور در آینده ی انسان و تاریخ فردای بشر! و این تازه شروع حیات یک مکتب اصیل است در تاریخ که باید منتظر رجوع انسانی پس از انسانی بود که به این مکتب باز می گردد و باید با او اصیل ترین سخن ها را با عالی ترین زبان در میان گذاشت و باید منتظر گوش هایی برای شنیدن حرف فردای خودمان باشیم و به فکر دهان و زبانی برای در میان گذاشتن برترین سخن‌ها و معنادارترین راه‌ها برای فردای حضور انسان و این بستر و طلیعه ای است که با مکتب امام و شاگردانش به روی تاریخ گشوده شد و آغوش باز کرد تا مأوای انسان شود. و ما راهی جز قرارگرفتن در این عالم برای آنکه گم نشویم و زندگی بی‌معنا شود و حیرت تاریخ، ما را گمراه نکند؛ نداریم، چه بخواهیم چه نخواهیم. باید منتظر بود و فرج در این انتظار ما رخ می نماید و آغوش می‌گشاید.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همان‌طور که در متن ارائه‌شده به کانال مطالب ویژه تحت عنوان «آسراری از شخصیت حضرت علی «علیه‌السلام» که رسول‌خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» پنهان داشت» عرض شد، حقیقتاً ابعادی در بستر اسلام برای انسان پیش می‌آید که کافی است با نظر به شخصیت حضرت علی «علیه‌السلام» متوجه ناگفته‌هایی شد که حتی زبان رسای رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» امکان اظهار آن را ندارد، ولی با نظر به رازهایی که در «غدیر» در مقایسه با سقیفه پیش می‌آید می‌توان چیزهایی را فهمید و جنابعالی در نوشته خوب خود بابتی را در نسبت با

«غدیر» گشوده‌اید که می‌توان فهمید بشر امروز که باید بیش از دیروز به رازهای خود و جهان آشنایی پیدا کند؛ در آن قرار گیرد زیرا آری! «غدیر»، روایتِ یک حادثه نیست، افق گشوده‌ای است تا انسان بفهمد در تاریخ فردای خود چگونه می‌تواند حاضر شود که آن، تنها راه به خودآمدنِ انسان آخرالزمانی است تا در ظلمات آخرالزمان سرگردان نباشد و «انتظار» یعنی آن که ما می‌توانیم ذیل حضور در غدیر و فهمیدنِ نقص‌های بزرگِ سقیفه در معنایِ انسانیتی حاضر شد که نماد حقیقی آن، مولای‌مان علی «علیه‌السلام» است. و در همین رابطه بنده در تبریگی که در رابطه با عید غدیر عرض شد تأکیدم بر نظر به انسانیتی است که در جان ما نهفته است و با نظر به مولای‌مان به ظهور می‌آید. و لذا عرض شد: اگر زندگی همان ایمان است و اگر ایمان، امری است که انسان باید در خود و با وجه انسانی خود بیابد، آیا فکر کرده‌اید آن انسانی که نمادِ انسانیت ما است و متذکر ایمان ما به حقیقت می‌باشد را در کجا باید بیابیم؟ انسانی بسی نزدیک از آن جهت که گویا او را در خود احساس می‌کنیم و بسی دور به جهت عظمت او. اگر او را در مولای متقیان علی «علیه‌السلام» یافتید و غدیر را محل تذکر به وجود او در اسلامیت و ایمانتان تشخیص دادید؛ این غدیر بر شما مبارک باد. موفق باشید